

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حمد و سپاس بی نهایت تحفه باز گاه حکمی است جلت عظمته که خاکدان دنیار او این
زند ان عاریت سرار اذ بلیت و غم و محل مصیبت و الم اهل و لایموده و زمره انبیاء مرسلین
و فرقه اولیاء و مفرین رادان بانواع مصاب و زابا امتحان و ابتلا فرموده نسیم بخت و نعیم
جنت را نامزد بلا کسان است و محنت رسیدگان عالی همت ساخت و سر بازان راه محبت
و جان فشانان طریق مودت را براتب رفیع و منازل منبعه بنواخت بلی هرگز اذوق
محبت بیشتر سینه اش از زخم محنت ریشتر شکر و ستایش بیغایت هدیه در گاه کرمی
است عمت نعمته که ابواب هموم و غموم بر روی کافه صدر نشینان مسند عزت و میمکنان
منابر حشمت مقنوح گردانند و باین سبب ایشان را علی درجات ایمان و از رفع غم فوات جنان
رسانند و کافه از باب اختیار را بوسله دعوت خوان غم و بلا با نمین قدس بار داد و
بر روی قاطبه اصحاب اصطفا بواسطه صلاهی مانده اند و غنا ابواب خلوتخانه اش کساد
اری سرگوش هوس داری هوس رایشت پای زن در این اندیشه بگرو شود و
عالم واقفان زن طریق عشق مجوی خرد را الوداعی کو بساط قرب میخوانی بلا را مر حجابی
زن درو هبی انتها و بخت افزون از حد و احصاب بران سپدا انبیا و خاتم اصفا و اول واقرباء
او که ثابت قدمان معرکه صبر و بلا و میمکنان بساط توکل و رضاء اند صلوات الله علیهم و علیهم
اجمعین چنین گوید مشتاق سعادت جاودانی مهدی ابن اری در نراقی عامله الله
بخصایب الالطاف و نجاه مما یحذر و یخاف که چون از اخبار صادقین و انان ائمه راشدین
صلوات الله علیهم اجمعین بصحت پیوسته که تدکبر و تدکر بلا با مصاب پیشوایان راه دین
و اسماع و استماع سخن و نواب اهل بیت سپد المرسلین و کر بانیدن و کرسی بر محنتهای
ان بر کردگان رب العالمین باعث اجر جمیل است و ثواب جز بل بلکه اقرب قربات ا



روند شکل‌گیری کتاب‌های چاپ سربی در دوره قاجار بین سال‌های ۱۲۳۳ تا ۱۲۵۰ ه. ق.*

محمدجواد احمدی‌نیا** * علی‌اصغر شیرازی***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۱

چکیده

گسترش صنعت چاپ از تحولات مهم فرهنگی عصر قاجار به شمار می‌رود. در این دوره برای نخستین بار دانش از انحصار کتابخانه‌ها خارج شد و از طریق چاپ و انتشار کتاب تحولی نوین در نظام آموزشی به وجود آمد. بررسی سیر تحول این مسیر می‌تواند دریچه‌ای جدید برای رسیدن به مسیر تاریخی فرهنگی این سرزمین باشد. هدف از این پژوهش ترسیم مراحل شکل‌گیری صنعت چاپ و نشر و ورود چاپ سربی به ایران بوده است تا بدین طریق سعی و تلاش بانیان و چاپگران اولیه این کتب در به سامان رساندن این شیوه چاپی و ایجاد اشتیاق در خوانندگان برای مطالعه آنها هرچه بهتر نمایش داده شود. همین‌طور مشخص گردد چه افرادی از جامعه و حتی افرادی از حکومت قاجار نقش مؤثری را در پیشبرد این اهداف بر عهده داشته‌اند. این پژوهش کوشیده است عوامل شکل‌گیری صنعت چاپ در دوران قاجار را شناسایی کند و نقش افراد، مراکز و رویدادهای اجتماعی را در این خصوص بررسی کند. ایجاد چاپخانه سربی در زمان قاجار معلول تحولاتی بود که سبب تولید کتاب‌هایی شد مغایر با باورهای ایرانیان نسبت به کتبی که سال‌ها با آن مانوس بودند. این تحقیق مشخص می‌سازد که چاپگران با در نظر داشتن کتاب‌آرایی سنتی به تولید کتاب‌هایی با استفاده از حروف مجزای چاپی اقدام ورزیدند و حرکت تدریجی اما با برنامه آنها پایه‌های علم، مذهب و فرهنگ را مستحکم ساخت. مسیر این جریان در کتاب‌های چاپ‌شده در شهرهای تبریز، تهران و اصفهان قابل پیگیری است. پژوهش پیش رو به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و داده‌های آن به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گرد آمده است. به همین منظور تعدادی از کتاب‌های دوره تاریخی مذکور بین ۱۲۳۳ تا ۱۲۵۰ ه. ق از نزدیک بررسی و از آنها عکاسی شد. با توجه به حجم بالای مطالب در این زمینه فیش‌ها پس از گردآوری طبقه‌بندی، تشریح و مورد استدلال و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

واژگان کلیدی

کتاب‌های چاپ سربی، دوره قاجار، انقلاب مشروطه، باسمة‌خانه.

* این مقاله برگرفته از بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدجواد احمدی‌نیا تحت عنوان *بررسی شیوه طراحی حروف و به‌کارگیری آن در کتب چاپ سربی نیمه اول قرن ۱۳ق در ایران* در رشته پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه شاهد است.

** کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

*** استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران (مسئول مکاتبات)

Email: a-shirazi41@yahoo.com

مقدمه

به همین منظور تعدادی از کتاب‌های دوره تاریخی مذکور از نزدیک بررسی و از آنها عکاسی شد. با توجه به حجم بالای مطالب در این زمینه فیش‌ها پس از گردآوری طبقه‌بندی، تشریح و مورد استدلال و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

درآمدی اجمالی بر تاریخ چاپ در جهان

چاپ سربی کنار هم قرار دادن حروف متحرک فلزی به صورت جداگانه و ساختن کلمات و سطور از طریق آنهاست. در هنگام ورود چاپ به ایران، چاپ سربی را، به اعتبار واژه لاتین آن تیپوگرافی می‌نامیدند. در کتاب معرفه‌البدایع فی الفنون و الصنائع (۱۳۲۴ق) چنین توصیف شده است: «حروفات چاپ را تیپ نامیده و چون عمل چاپ حکم کتابت را دارد لهذا چاپخانه را تیپوگرافی یعنی با تیپ نوشتن و کارگران را تیپوگراف می‌نامند یعنی حروف‌چین...» (دوشوز، ۱۳۲۴: ۳۷۵-۳۷۶).

در بیشتر منابع تاریخی چینیان را مبدع چاپ دانسته‌اند هرچند تعریف چاپ به معنای امروزی با آنچه که در خصوص چاپ چینی به ما رسیده بسیار متفاوت است. چاپ رایج در شرق دور، هم به لحاظ شیوه و هم به لحاظ هدف، تفاوتی عمده با چاپ در دوره جدید داشت. این نوع چاپ، اغلب به شیوه باسماهی بوده است و با الواح چوبی یا فلزی انجام می‌گرفت، و نه با حروف متحرک. هدف از آن نیز بیشتر تکثیر تصاویر یا متون مقدس و جادویی بوده و نه انتشار علم به معنای عام (بورستین، ۱۳۶۵: ۲). در حدود سال ۱۰۴۰م کیمیاگری چینی به نام پی‌شنگ^۲ ظاهراً از گل و چسبی مخصوص ترکیبی به دست آورد که با آن موفق به ساخت حروف متحرک گردید و به سبب همین روش ابتکاری است که او را مبدع راه حل حروف‌چینی با حروف مجزا دانسته‌اند (آذرنک، ۱۳۷۵: ۵۹).

ولی حدود نیم قرن بعد اولین کسی که در تاریخ، اختراع چاپ را به نام خویش رقم زد، زرگری آلمانی به نام یوهانس گوتنبرگ^۳ بوده است. او که احتمالاً تا آن زمان از تهیه حروف متحرک^۴ در مشرق زمین بی‌خبر بوده، در سال ۱۴۵۰م قالب حروف^۵ را ابداع و غرب را از شیوه نوین چاپی خویش مطلع ساخت و در سال ۱۴۵۵م نیز نخستین و مشهورترین کتاب خود را بدین سبک با عنوان انجیل چهل و دو سطر^۶ (تصویر^۱) در ۱۶۰ نسخه ۱۳۰۰ صفحه‌ای به چاپ رسانید (وایت، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

او با نبوغ خود دریافت که اگر به جای استفاده از الواح چوبی،^۷ حروف منفرد به صورت قطعات مجزای فلزی قالب‌ریزی شوند و سپس صفحه‌ای را تشکیل دهند، کارایی چاپ بسیار بهتر خواهد بود و به این طریق صفحات نیز سریع‌تر آماده و اشتباهات زودتر اصلاح می‌گردید (کرایگ، برتون، ۱۳۹۰: ۶۰).

مسلمانان نیز سال‌ها پیش از اختراع دستگاه گوتنبرگ، از طریق ارتباط با شرق از مصارف گوناگون این صنعت

ابداع صنعت چاپ سرآغاز تحولی دوران‌ساز در زندگی بشر بوده که تغییرات و جابجایی‌هایی چند را در زندگی اجتماعی جوامع مختلف پدید آورده است و بی‌شک ورود چاپ سربی به ایران در دوره قاجار یکی از پایه‌های مدرن شدن جامعه ایرانی، تحرک اجتماعی و سوادآموزی طبقات فرودست جامعه بود که به برکت صنعت چاپ راه آن گشوده گردید. مهم‌ترین بخش در ساختار یک کتاب چاپ سربی حروف آن است زیرا در این کتاب‌ها به لحاظ محدودیت‌های فنی، هیچ نشانی از تزیینات و عوامل جذابیت بصری که در نسخه‌های خطی ایرانی رایج بوده مشاهده نمی‌گردد و حروف خشک سربی تنها شاخصه بارز این کتاب‌هاست. با نگاهی به انجامه کتب چاپ سربی نیمه اول قرن سیزدهم مشخص می‌گردد که در آن عصر سه دوره زمانی مهم به لحاظ تولید کتاب وجود داشته که منتهی به سه شهر و مرکز دولتی یعنی تبریز، تهران و اصفهان می‌شدند، که هر کدام به طرق مختلف، با طبع کتاب به شیوه سربی برخورد می‌نمودند.

در این نوشتار سعی خواهد شد با بررسی یک بازه زمانی مهم (۱۲۳۳ق تا ۱۲۵۰ق)، که آغاز شکل‌گیری پایه‌های کتب چاپی و انحصار دولتی صنعت چاپ در ایران بوده، جایگاه واقعی این کتاب‌ها و نقش قاجاریان در تکوین و تدوین این نوع فرایند تولید کتاب و افرادی که در پیشبرد این اهداف دخیل بوده‌اند مورد تأکید قرار گیرد. زیرا پس از این تاریخ به‌مرور شاهد حضور افراد غیردولتی جدیدی، چه در صنف چاپگران و چه در مقام بانیان چاپ، در روند تولید کتب چاپ سربی هستیم که وجود عوامل متعددی از جمله عدم مقبولیت نوع حروف این کتب نزد عموم مردم سبب گردید تا این شیوه چاپی در طول زمان جای خود را به شیوه چاپ سنگی بسپارد که امکانات بیشتری را به چاپگران، مشابه آنچه در کتب خطی ایرانی بوده، می‌داده است.

پیشینه تحقیق

به‌منظور تحقیق در این حوزه، اگر بخواهیم به منابع مهمی که سعی در روشن‌سازی تاریخ چاپ در ایران داشته‌اند اشاره‌ای داشته باشیم باید از کتاب‌های تاریخ چاپ در ایران، نوشته شهلا بابازاده (۱۳۷۸)، تاریخ چاپ سنگی در ایران، نوشته الیمپادا پاولونا شچگلوا (۱۳۸۸) و مقالات «نوپایی چاپ در ایران، تعریف و تخمین» نوشته اولریش مارزلف (۱۳۸۵) و «چاپخانه و روزنامه در ایران» نوشته حسن تقی‌زاده (۱۳۹۰) نام برده شود.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌های آن به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گرد آمده است.

1. Typography
2. Pi-Sheng
3. Johannes Gutenberg
4. Movable Types
5. Matrix
6. The 42-Line Bible
7. Xylography

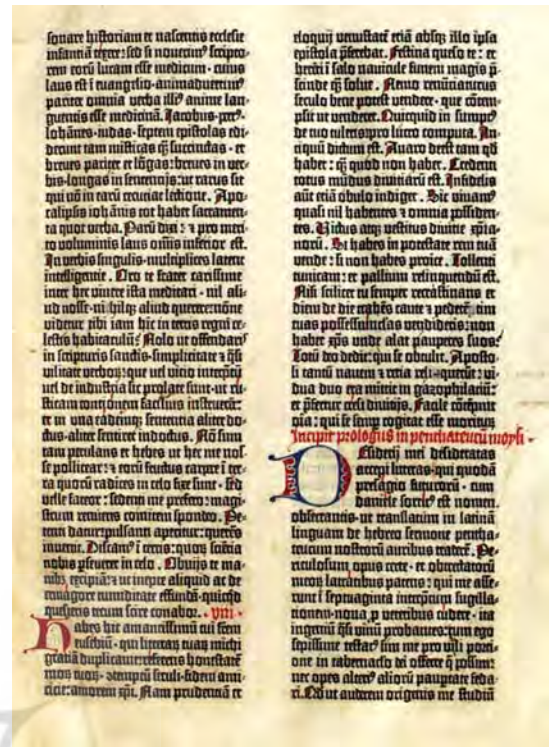
ممکن بود، به پیشرفت چشمگیر آنان در هنر خوشنویسی و کتاب‌آرایی برمی‌گردد که به این دلیل تا مدت‌ها کتاب‌های ساده چاپی نمی‌توانست در بازارهای اسلامی جایی باز کند (سامرای، ۱۹۹۶: ۴۹). تا آنجا که حروف به‌کاررفته در این چاپ‌ها در مقایسه با نسخه‌های خطی نفیس مسلمانان چندان جذابیتی برای آنان نداشت. برای نمونه، کتاب قانون ابن سینا، چاپ ۱۵۹۳م در مطبعهٔ مدیچی^۱، یک‌دهم نسخهٔ خطی این اثر قیمت داشت ولی طلاب مسلمان حاضر به خریداری آن نبودند (قدوره، ۱۹۹۶: ۱۱۷).

پیشینهٔ تاریخ چاپ در ایران

اگر قصد بررسی پیشینهٔ قدیم‌تر پیدایش نشر در این سرزمین باشد می‌توان سرمنشأ آن را در دورهٔ هخامنشیان جستجو کرد. از دانش‌های ایران در آن عهد به‌واسطهٔ از بین رفتن اسناد آن زمان در حملهٔ مقدونی‌ها و سایر تحولات شواهد و مدارک زیادی در دست نیست ولی از روی کتیبه‌ها و آثار و روایات می‌توان مطالبی استنباط کرد که معرف سطح بلند دانش و فرهنگ در آن دوران است. در تأیید این گفته کشف یک قطعه کاغذ حصیری (پاپیروس) است که به روی آن جملهٔ «من از سائیس بیرون آمدم» مرقوم گردیده است (سامی، ۱۳۴۷: ۵۹).

با این حال، چاپ به‌گونه‌ای که انتقال نقش از صفحهٔ چوبی حکاکی شده بر کاغذ باشد احتمالاً در قرن هفتم هجری به ایران راه یافت و شاید بتوان دستگاه چاپی را که در عصر ایلخانیان و به عهد حکومت گیخاتو (۶۹۴-۶۹۰ ق) وارد ایران شد و در چاپ اسکناسی موسوم به چاوآمورد استفاده قرار گرفت را اولین دستگاه چاپ در ایران به شمار آورد (صلح‌جو، ۱۳۴۸: ۴۰). در این زمان در پی کمیبود نقدینه در خزانه، که عمدتاً بر اثر ولخرجی‌های خان و درباریان بروز کرده بود، گیخاتو برای رفع این معضل صدرالدین خالد زنجانی را به صاحب‌دیوانی و وزارت خود برگزید و او نیز راه چاره را در نشر چاو دانست. این اسکناس در ۱۹ شوال ۶۹۳ ق/ ۱۲۹۴م در چاوخانه‌ای در تبریز به چاپ رسیده و سپس دستور توزیع آن در کشور صادر گردید (Jahn, 1970: 121).

تاکنون هیچ نمونه‌ای از چاو یافت نشده، اما وصاف الحضرة آن را چنین وصف کرده است: «پیرامن سطح کاغذ پاره مربع مستطیل چند کلمه به خط خطایی که محض خطا این بود نوشته و بر بالای آن از دو طرف لاله‌الله محمد رسول‌الله درج شده و فروتر از آن ایرینجین تورچی^۲ تحریر کرده و در میانه دایره کشیده خارج از مرکز صواب و از نیم درهم تا ده درهم رقم زده و به شیوهٔ مسطور در قلم آورده که پادشاه جهان سنهٔ ثلث و تسعین و ستمائه این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید، تغییر و تبدیل کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانده، مال او را جهت دیوان بردارند» (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸: ۲۷۲).



تصویر ۱. انجیل چهل و دو سطری، ماخذ: www.retinart.ne



تصویر ۲. ساغوس - ۱۱۶۳۸م، ماخذ: میناسیان، ۱۳۵۰: ۵۲.

آگاهی یافتند (سامرای، ۱۹۹۶: ۴۹). آنها در اواخر سدهٔ سوم در مشرق اسلامی و اندلس به شیوهٔ چینیان کتاب‌هایی چاپ می‌کردند. همچنین بیش از پنجاه سند کشف‌شده در نزدیکی فیوم مصر، که متعلق به سال‌های ۲۷۸ تا ۷۵۱ق است، نشان می‌دهد که آنها با به‌کارگیری الواح چوبی بر روی پوست، کاغذ و پارچه عمل چاپ را انجام می‌داده‌اند (استپ چویچ، ۱۹۹۳: ۲۴۹-۲۵۰). اما ظاهراً اگرچه مسلمانان از به‌کارگیری فن چاپ، که در این دوره فقط با الواح چوبی

1.Medici
2.Chao

۳. به معنای جواهر و الماس، لقبی که برای گیخاتو خان به‌کار می‌رفت.

انتشار اولین کتاب توسط گوتنبرگ یعنی انجیل ۴۲ سطر
در تاریخ ۱۴۵۵م بدانیم، شاهد فاصله‌ای ۳۶۳ ساله تا ورود
صنعت چاپ به ایران برای انتشار کتاب به زبان فارسی در
سال ۱۲۳۳ق/۱۸۱۸م هستیم، به آن معنا که زمانی در حدود
چند قرن پس از اختراع اولیه این صنعت در ایران در ابتدای
راه خود قرار داشت.

با آنکه چاپ در ابتدا به زبان ارمنی در دوره صفویه پا
گرفته بود اما ایرانیان فارسی زبان سالیان دراز توجهی به
آن نداشتند و در قیاس با بسیاری از کشورها بسیار دیر
به مزایا و نتایجی که صنعت چاپ می‌توانست در جامعه
داشته باشد پی بردند (آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۲۲۹/۱) و اگر هم
اشتیاق و علاقه‌ای نیز وجود داشته تنها از مرحله حرف
جلوتر نمی‌رفته است چنانکه ژان شاردن جهانگرد معروف
فرانسوی در سفرنامه اش به ایران می‌نویسد: «ایرانیان صد
دفعه تا حال خواسته‌اند مطبوعه داشته باشند، فواید و منافع
آن را می‌دانند و ضرورت و سهولت آن را می‌سنجند؛ لیکن
تا حال کامیاب نشده‌اند. برادر وزیر اعظم که آدم خیلی عالم
و مقربی است در سنه ۱۰۸۷ق از من خواست تا عمه از
فرنگ بیاورم که این کار را به ایرانیان بیاموزد و کتب عربی
و فارسی که من به او دادم به شاه نشان داد و اجازه گرفته
بود، ولی وقتی پای پول به میان آمد همه چیز به هم خورد»
(شاردن، ۱۳۴۹: ۱۳۳۶).

ورود چاپ به ایران در دوره قاجار

دوره قاجار زمان ورود بسیاری از پدیده‌های نوین اجتماعی
به ایران بود و در همین راستا گسترش فرهنگ چاپ نیز از
تحولات فرهنگی مهم آن عصر به شمار می‌رود. تحول عمده
در فن چاپ و انتشار مواد چاپی، اعم از کتاب و روزنامه،
از دوره ولایت عهدی عباس میرزا (۱۲۰۳-۱۲۴۹ق) فرزند
فتحعلی شاه قاجار آغاز می‌شود که درست با پیامدهای
جنگ‌های ایران و روس مصادف است و شاید او نخستین
کسی بود که به نیاز درک بنیان فکری، تجربیات و
دستاوردهای تکنیکی و نظامی غرب پی برد.

با آغاز این نبرد و انعقاد عهدنامه گلستان آشکار گردید
که با وسایل ابتدایی و قشون ناهماهنگ و سایر کمبودهای
موجود، کشور قادر به مقاومت در مقابل تجهیزات و سپاه
منظم روسیه نخواهد بود و برای دفاع از مملکت، به نیرویی
تعلیم دیده و منظم و سردارانی باسواد و کارآموده نیازمند
است (محیط طباطبایی، ۱۳۱۴: ۲۵۷). از این رو عباس میرزا
انگلیسی‌ها را به خدمت می‌گیرد تا سپاه او را سازماندهی
کنند و با علم به لزوم داشتن کادر خودی، چندین بار
جوانان ایرانی را برای آموزش نظامی، کارهای ساختمانی
و مهندسی، ریاضی و فیزیک به اروپا می‌فرستد. بخشی از
فرستادگان نیز باید پزشکی و هنر و بخشی دیگر زبان‌های
خارجی را می‌آموختند. در این بین چند تن نیز کار چاپ را
فراگرفتند (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۴۰).

تا یک هفته پس از اولین انتشار این پول‌های کاغذی مردم
از بیم شمشیر آنها را می‌گرفتند، اما چندان نگذشت که کلیه
کارهای داد و ستد متوقف گردید و بازارها را به کلی رها
کردند. صدرالدین در مواجهه با بلوای عمومی مجبور شد که
نخست اجازه دهد خرید اطعمه بازر صورت گیرد و سپس
جریان پول کاغذی را به کلی متوقف سازد. این تجربه اندکی
بیش از دو ماه دوام آورد (پطروشفسکی، ۱۳۷۹: ۳۵۲).

اگر بخواهیم چاپ را همان شیوه‌ای که توسط گوتنبرگ
اختراع و به وسیله حروف متحرک انجام می‌گرفته بدانیم،
تاریخ و زمان اولین ورود چاپ به ایران به قرن ۱۱ق
یعنی دوران حکومت صفویه برمی‌گردد. در آن عهد اولین
چاپخانه حروفی با حروف مجزا توسط ارامنه کارملی در
اصفهان دایر گردید. پدر جان تادئوس^۲ در خصوص معرفی
این شیوه جدید چاپی به شاه عباس در ۱۰۲۷ق چنین گفته
است: «حروف چاپی راطی ملاقات رسمی به سال ۱۶۱۸م
در قزوین به شاه عباس نشان دادم او علاقه زیادی نشان
داد و بیان داشت که مایل است تا چاپخانه‌ای در کشور خود
راه‌اندازی کند و شاه حتی من را مسئول تأمین آن کرده
است» (A Chronicle... 1939: 305).

نخستین کتابی که به این شیوه در ایران چاپ گردید
ساغوس^۳ (تصویر ۲) یا زبور داود نام دارد که با حروف
ارمنی توسط خلیفه خاچادور کیساراتسی^۴ در کلیسای وانک
اصفهان به سال ۱۰۴۹ق/۱۶۳۸م انتشار یافت. این کتاب
دارای ۵۷۲ صفحه با ابعاد ۸/۵ × ۵/۲ سانتی‌متر است که
وی و همکارانش با زحمت فراوان، همه وسایل چاپ از کاغذ
و مرکب تا ماشین و حروف چاپ را خود ساختند (غلامی
جلیسه، ۱۳۹۰: ۴۳).

از این کتاب فقط یک جلد وجود دارد که کپی آن در موزه
کلیسای وانک اصفهان قرار داشته و اصل آن در کتابخانه
دانشگاه آکسفورد نگهداری می‌شود. این نسخه تا چندی قبل
ناشناخته بود تا اینکه مسئول کتاب‌های شرقی این کتابخانه
ضمن بررسی نسخ خطی کتاب‌های ارامنه به ساغوس
برخورد و دریافت که این کتاب به اشتباه در ردیف کتب
خطی قرار گرفته است (میناسیان، ۱۳۵۰: ۵۴).

تاکنون درباره چاپخانه تاریخی کلیسای جلفا تحقیقات
دقیقی، حداقل به زبان فارسی، صورت نگرفته و آنچه که
مسلم است در این چاپخانه بیش از چند جلد کتاب مذهبی به
چاپ نرسید. از هشت کتاب چاپ در چاپخانه جلفا سه کتاب
مفقود، سه کتاب در موزه جلفا، یکی در انگلستان و دیگری
در اتریش نگهداری می‌شود (مشکنبریانس، ۱۳۸۵: ۵۳).

نکته قابل تعمق در اینجا این است که چاپخانه مذکور
در خارج از جامعه مسیحی اصفهان مورد استفاده قرار
نمی‌گیرد و با استقبال عمومی مواجه نمی‌شود و این مسئله
عاملی گشت که صنعت چاپ به زبان فارسی بسیار دیرتر
از آنچه که می‌بایست به ایران وارد گردد.

اگر شروع تاریخ چاپ به معنای امروزی را هم‌زمان با

1. Carmelite
 2. John Thaddeus
 3. Saghmosaran
 4. Khachator Kesaratsi
 5. Jean Chardin
 6. جوزف داریسی (Joseph Darcy)
۱. افسر توپخانه که در سال ۱۸۱۰م
به همراه سرگوراولی فرستاده ویژه
وزیر مختار انگلیس به ایران آمد.
نایب‌السلطنه او را به مقام سرهنکی
یا کلنی ارتقا داد و «خان» نامید. از این
رو، اطرافیان ایرانی او در دارالسلطنه
تبریزی و راقولون‌خان (کنل خان) و
گاه کرنل داریسی نامیدند.

کار خود را به من نموده. او و زن او نوع رفتاری با بنده کرده، مبالغ متعددی اجناس چاپ‌سازی را با پرس کوچکی برای من خریده و هرچه خریده در نهایت ارزانی بود...» (شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۰۷).

بنا بر اظهار میرزا صالح، او در سال ۱۲۳۵ ق از انگلیس به تبریز وارد می‌شود. به رغم بسیاری از اقدامات وی و با توجه به اینکه در بسیاری از منابع او را بانی چاپ در ایران می‌دانند، اما نمی‌توان او را بنیانگذار نخستین چاپخانه در تبریز، که اولین اثر به زبان فارسی را نیز در ایران چاپ کرده است، دانست زیرا تاریخ ورود او به کشور در حالی است که دو سال از انتشار اولین کتاب چاپ سربی به زبان فارسی در ایران گذشته است.

در هر صورت چاپ سربی با همین شیوه با استفاده از دستگاه‌های دستی سالیان سال به فعالیت خود ادامه داد تا کمتر از دو دهه بعد چاپ سنگی به همت عباس میرزا وارد ایران گردید (مسعودی، ۱۳۷۹: ۶۲). چندین سال بعد از ورود چاپ سنگی به جهت سرعت این شیوه و هزینه پایین آن و صد البته بدل‌نمایی از کتب خطی این شیوه از چاپ مقبول ایرانیان شد و در سراسر کشور گسترش یافت. اما دیری نپایید که به سبب نهضت مشروطه این روند تغییری شگرف نمود زیرا این نهضت عامل افزایش تعداد و شمارگان روزنامه‌ها، گرایش بیشتر مردم به خواندن مطالب سیاسی و اجتماعی و نیز تقویت و گسترش چاپ در ایران گردید. به گونه‌ای که در دوره محمدعلی میرزا، استفاده از چاپخانه‌های سربی اختصاصی و غیردولتی به جای چاپخانه‌های سنگی دولتی معمول شد، به طوری که بنا به تخمین حوالی سال ۱۳۳۰ ق معدودی چاپخانه سنگی به فعالیت ادامه می‌دادند (مهدیزاده، ۱۳۹۲: ۱۲). روند چاپ به شیوه سربی بعد از انقلاب مشروطه و همزمان با بیداری فکری و فرهنگی مردم و افزایش مخاطبان کتب و جراید و همزمان با آن، رشد قابل توجهی پیدا کرد و چاپخانه‌داران و دست‌اندرکاران صنعت نشر بر آن شدند تا با تجهیز چاپخانه‌های خود به جدیدترین دستگاه‌های چاپ که از دقت، سرعت و کیفیت بالایی برخوردار بود ضمن افزایش تیراژ منشورات خود از سود بیشتری نیز برخوردار شوند. تقریباً بعد از مشروطه دستگاه‌های چاپ سنگی در اکثر نقاط ایران کم‌کم حذف شدند و این روند تا اواخر قاجار رو به فزونی نهاد و در اوایل دوره پهلوی اول طومار صنعت چاپ سنگی پیچیده شد.

کتاب چاپ سربی تبریز

کتاب رساله جهادیه تألیف میرزا عیسی قائم مقام اول، نخستین کتابی است که به روش چاپ سربی به سال ۱۲۳۳ ق/۱۸۱۸ م در ایران و در شهر تبریز منتشر شده است (بابازاده، ۱۳۷۸: ۱۴؛ تصویر ۳). این کتاب ۸۴ صفحه‌ای مجموعه‌ای از فتاوی علمای شیعه است که به فرمان فتحعلی شاه، برای کمک به عباس میرزا، مردم را به جهاد علیه کفار



تصویر ۳. صفحه آغازین کتاب رساله جهادیه ۱۲۳۳ ق، ماخذ: نگارنده

در راستای دستیابی به این اهداف، وی کاروانی آموزشی را در سال ۱۲۳۰ ق/۱۸۱۵ م به سرپرستی سروان جوزف داریسی که قبلاً به همراه هیئتی برای آموزش سپاهیان به ایران آمده بود، روانه انگلستان کرد (یغمایی، ۱۳۶۴: ۴۶). محمد صالح بن محمدباقر شیرازی معروف به میرزا صالح شیرازی از جمله فعال‌ترین شاگردان این کاروان آموزشی به شمار می‌رود. او با آنکه در ابتدا تنها برای یادگیری زبان انگلیسی راهی سفر شده بود اما در زمان اقامتش در لندن علاقه خاصی نیز به چاپ پیدا کرد.

میرزا صالح بین سال‌های ۱۸۱۵ م تا ۱۸۱۹ م دریافت که بسیاری از چهره‌های مطرح چاپ در انگلستان درباره چاپ به خط فارسی و عربی کار می‌کنند. از همه مهمتر آنکه میرزا صالح به ریچارد واتس، حروف‌ریز معروف و ناشر انجمن شرقی، معرفی گردید و به مدت شش ماه در ۱۸۱۹ م نزد وی به کارآموزی پرداخت (گرین، ۱۳۹۰: ۱۴۷). او در تاریخ بیستم شعبان ۱۲۳۴ ق با تهیه اسباب و ادوات چاپ قصد عزیمت به ایران را می‌کند. خود او در سفرنامه‌اش درباره دوره کارآموزی‌اش نزد واتس و بازگشت به کشور چنین می‌گوید: «بنده به دیدن مستر واتس رفته. چون در آن مدت وقت در کارخانه مستمرارفته، یعنی هر روز دو ساعت در خانه او رفته، الحق از ابتدا الی انتها، کار از او آموخته و مشارالیه از راه خیرخواهی و نیک‌ذاتی و صداقت و راستی

«محمدعلی همچنین کتاب گلستان را در ۱۲۴۳ق/۱۸۲۷م و رساله‌ای دربارهٔ آبله، رساله در اعمال آبله زدن، را در ۱۲۴۵ق/۱۸۳۰م و بوستان سعدی را نیز در ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م حروف‌چینی کرده است. در دو چاپ پایانی چاپگر خود رانظم امور باسهمه‌خانه دارالسلطنه تبریز نامیده است. محمدعلی به نام خود مشهور به امین‌الشرع را می‌افزاید. گویا او پیرامون ۱۲۴۵ق/۳۰-۱۸۲۹م این لقب را دریافت کرده است» (شچگلوا، ۴: ۴۱-۱۳۸۸).

در رابطه با این کتاب حین بررسی مطالب و منابع گوناگون به نکته‌ای بسیار مهم برمی‌خوریم بدین شکل که عده‌ای از محققان به کتاب دیگری به نام فتح‌نامه اشاره دارند که در همان سال ۱۲۳۳ق در تبریز به طبع رسیده است. استاد سعید نفیسی در این باره می‌نویسد: «نخستین چاپخانه‌ای که انتشارات آن به دست ما رسیده چاپخانهٔ سربی ست که در حدود ۱۲۲۷ق در تبریز دایر شده و نخستین چیزی که چاپ کرده فتح‌نامه‌ای است که در یکی از زدوخوردهای جنگ اول ایران و روس که سپاهیان ایران پیشرفت کرده‌اند در تبریز چاپ کرده‌اند. نخستین کتابی که از این چاپخانه بیرون آمده رساله‌ای است به نام جهادیه تألیف میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی معروف به قائم‌مقام اول که در جنگ دوم روس و ایران که حکم جهاد صادر شده بود وی در همین زمینه نوشته و در ۱۲۳۳ و ۱۲۳۴ق در تبریز دوبار چاپ شده است» (نفیسی، ۱۳۲۵: ۲۳).

آلبرت هوتم شیندلر^۱، که در سال ۱۲۹۶ق/۱۸۷۹م مأمور شده بود میان تهران و مشهد ارتباط تلگرافی برقرار کند، نسبت به سایر مسائل نیز نظر خاصی داشته است از جمله در نامه‌ای که در لندن برای حسن تقی‌زاده نوشته اشاره می‌کند: «در سال ۱۲۳۳ شخصی موسوم به آقازین‌العابدین تبریزی اسباب و آلت مختصر باسهمه‌خانهٔ طیوگرافی یعنی چاپ حروفی به تبریز آورده در تحت حمایت عباس میرزا نایب‌السلطنه که در آن زمان حکمران آذربایجان بود مطبوعه کوچکی را برقرار نمود. و بعد از مدتی کتابی را موسوم به فتح‌نامه تمام کرد. این کتاب نخستین کتابی بود که در ایران به حروف عربی طبع شد. مصنف کتاب مذکور میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بود و قصه‌ها گفته از جنگی که در سال ۱۲۲۷ میان دولتین روس و ایران واقع شد و به توسط صلح‌نامهٔ گلستان مورخه ۱۲ اکتوبر ۱۸۱۳=۱۶ ذی القعدة ۱۲۲۸ به انتها رسید» (تقی‌زاده، ۱۲۹۰: ۱۲).

از دیگر سوی مجتبی مینوی در مقاله «اولین کاروان معرفت» ذکر می‌کند که «نمی‌دانم رسالهٔ جهادیه همان فتح‌نامه است یا کتاب دیگری است» (مینوی، ۳۱۵: ۱۳۳۲-۳۱۶). میرزا محمدعلی خان تربیت نیز در باب این مسئله این‌گونه نگاشته است: «میرزا عیسی قائم‌مقام بزرگ که در تاریخ ۱۲۳۸ق در تبریز مرحوم شده است دو رسالهٔ کوچک و بزرگ، که در آن تواریخ راجع به جهاد تألیف فرموده‌اند، رسالهٔ کوچکش به فاصلهٔ پانزده ماه دو مرتبه در مطابع



تصویر ۴. ابواب الجنان ۱۲۴۱ ق، ماخذ: همان.

در جنگ ایران و روس دعوت می‌کند. در بخشی از اعلام جهاد علما در این رساله این‌گونه آمده است:

«بر عموم اهل ایران واجب است در این باب اطاعت آن حضرت که پادشاه اسلام و مطاع کل است و متابعت نایب‌السلطنه که متصدی امر جهاد است. ای دینداران و ای مسلمانان و ای شیعیان علی بن ابیطالب کجا به غیرت شما می‌گنجد که کفار روس بر عرض و مال و دین و دولت شما مسلط شوند رایت کفر افراشته و شهادتین از میان مسلمین برداشته شود زنان مسلمه فراش کفار باشند.»

در ارتباط با تاریخ چاپ رسالهٔ جهادیه در ترقی‌نامه آن نوشته شده: «قد تم الكتاب علی يد اضعف العباد محمد علی ابن حاجی محمد حسین الاشتیانی المامور بعمل الطبع من الدولة العلیة القاجاریة فی دار الانطباع الواقعة فی بلدة تبریز بتاريخ خمس و عشرين شهر رمضان المبارک سنة ۱۲۳۳ هجریه.»

همان‌گونه که از متن مذکور مشخص است این کتاب توسط محمد علی ابن محمد حسین آشتیانی چاپ گشته و او نخستین آغازگر چاپ با حروف متحرک سربی در ایران بوده است ولی تا کنون مشخص نیست که ماشین چاپی که این کتاب با آن حروف‌چینی شده از کجا آمده و یا محمدعلی، کسی که حروف‌چینی آن را انجام داده، کجا عمل چاپ را آموخته است.



جدول ۱. کتب چاپی سربی منتشره در تبریز نیمه اول قرن ۱۳ ق، ماخذ: نگارنده (مطابق با چندین کتاب مرجع)

سال نشر	نام کتاب	نویسنده	چاپگر	منابع
۱۲۳۳	رساله جهادیه	عیسی قائم مقام فراهانی	محمدعلی آشتیانی	ملی
۱۲۳۴	رساله جهادیه	عیسی قائم مقام فراهانی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، آستان قدس
۱۲۳۶	گلستان	سعدی شیرازی	میرزا جعفر تبریزی	لنینگراد، بریتانیا
۱۲۴۱	ابواب الجنان	محمد رفیع واعظ قزوینی	عبدالله ابن میرزا خلیل تبریزی	ملی، محدث ارموی
۱۲۴۱	ماثرسلطانی	مفتون دنیلی	ملا محمد باقر تبریزی	ملی، مسجد اعظم، لنینگراد، بریتانیا
۱۲۴۳	گلستان	سعدی شیرازی	علی بن محمد حسین تبریزی	لنینگراد
۱۲۴۵	رساله تعلیم نامه در عمل آبله زدن	محمد عبدالصبور خوبی	علی بن محمد حسین تبریزی	ملی
۱۲۴۶	بوستان	سعدی شیرازی	علی بن محمد حسین تبریزی	لنینگراد

تبریز چاپ شده» (تربیت، ۱۳۱۳: ۶۵۹).

در دوره‌های متأخر نیز محققانی همچون شهلا بابازاده بر این باورند که مقصود استاد تربیت از دو رساله همان دو جهادیه بوده است که در دو تاریخ ۱۲۳۳ق و ۱۲۳۴ق چاپ شده‌اند (بابازاده، ۱۳۷۸: ۱۶).

در نهایت اشاره‌ نهایی را پروفسور مارزلف^۱ بدین صورت ارائه می‌دهد که به نظر می‌آید کتاب مشخص جداگانه‌ای به نام فتح‌نامه هرگز وجود نداشته و فتح‌نامه و رساله جهادیه می‌توانند یکی باشند، به هر حال نسخه چاپی سال ۱۲۳۳ق از رساله جهادیه موجود بوده، در حالی که هیچ نسخه باقی‌مانده‌ای از فتح‌نامه در دست نیست (مارزلف، ۱۳۸۵: ۲۳). نگارنده تا کنون با نوشتاری مواجه نشده که مؤلف آن هر دو کتاب مورد بحث را دیده و به مقایسه پرداخته باشد. تنها نسخه از کتاب رساله جهادیه هدر حال حاضر به شماره پازیبایی ۳۲۵. در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود که در این پژوهش نیز از نزدیک مورد بررسی قرار گرفته است.

اما درباره آثار چاپ شده پس از این کتاب نکات شک‌برانگیز کمتر دیده می‌شود، زیرا تحقیقات عموماً بر اساس کتبی صورت گرفته است که در مراکز نگهداری موجود بوده و کاربرد اعداد در صفحات کتب چاپ سربی که یکی از آنها برای سال‌شمار و مشخص کردن تاریخ چاپ کتاب بوده (احمدی نیا، ۱۳۹۱: ۵۵) بسیاری از مشکلات

تاریخ‌نگاری را مرتفع ساخته است.

به‌عنوان نمونه، دومین کتابی که در ایران و در تبریز به چاپ رسیده دوباره همان رساله جهادیه هاست که این بار در تاریخ ذی الحجه ۱۲۳۴ق/اکتبر ۱۸۱۹م به دست چاپگر جدیدی به نام میرزا زین‌العابدین تبریزی به انتشار یافته است. این کتاب ۷۶ صفحه‌ای نسبت به کتاب قبلی هم به لحاظ کیفیت چاپ و هم به لحاظ شیوه حروفچینی در جایگاه بسیار مطلوبی قرار دارد. نسخه‌هایی از این کتاب در کتابخانه ملی و همچنین در کتابخانه آستان قدس دیده شده است.

درباره ماشین چاپی که میرزا زین‌العابدین با آن کتاب جهادیه را چاپ کرده نظرات متفاوتی وجود دارد که هیچ‌کدام نمی‌تواند سندیت داشته باشد. آن‌گونه که شچگلوا اظهار می‌دارد «بنا بر نظر همایون فرخ ماشین چاپ زین‌العابدین در انگلستان به سفارش منوچهرخان گرجی خرید شده و از راه روسیه به تهران آورده شد. نظری دیگر درباره خرید ماشین در روسیه است، ولی نه نظر نخستین و نه دومین هیچ‌کدام مستند نیستند. استادکار چاپ کجا کار چاپ را آموخته بود نیز آشکار نیست» (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۴۱).

در ادامه این مبحث و به‌منظور روشن‌تر شدن این مسئله و انکار نقش منوچهرخان معتمدالدوله در چاپ این کتاب، پژوهشگری دیگر از جنبه‌ای پژوهشی به آن نگرسته است: «این‌گونه به نظر می‌رسد که زین‌العابدین تبریزی پیش از چاپ کتاب حاضر مشارکتی با معتمدالدوله نداشته است



تصویر ۵. صفحه آغازین کتاب محرق القلوب ۱۲۳۹ق، ماخذ: همان.

و به تنهایی اقدام به چاپ کتاب می‌نموده است، چرا که نه در رساله جهادیه منتشره به سال ۱۲۳۴ق در تبریز و نه در کتاب محرق القلوب چاپ‌شده به سال ۱۲۳۹ق در تهران هیچ اسمی از معتمدالدوله نیامده است و حال آنکه به فاصله چهار ماه بعد از انتشار کتاب محرق القلوب در تهران زین العابدین تبریزی دومین کتابی که به تاریخ جمادی الثانی سال ۱۲۳۹ق با نام رساله حسنیه تألیف استرآبادی در تهران به چاپ می‌رساند برای اولین بار شاهد ذکر اسم معتمدالدوله در مقدمه کتاب هستیم که به نیکی از مشارکت معتمدالدوله سخن به میان آورده است» (غلامی جلیسه، ۱۳۹۰: ۵۲).

در مقدمه کتاب رساله حسنیه و برای اثبات نظریه بالا این‌گونه نوشته شده است: «بحمدلله و امنه آنها به حکم محکم سلطانی و امر همیون خسروانی و به حسن کفایت و کردانی جناب امارت و مناعت پناه جلالت و... مؤتمن الحضرت السلطان و مقرب الخاقان منوچهرخان لازالت لوا امارته مرفوعتا...»

اما کتاب دیگری که در این دوره در تبریز به طبع می‌رسد گلستان است که به اهتمام میرزا جعفر در سال ۱۲۳۶ق/۱۸۲۱م انتشار می‌یابد. درباره ماشین چاپ این کتاب، عده‌ای آن را همان ماشینی می‌دانند که میرزا صالح همراه خود به ایران آورده و آن را در اختیار میرزا جعفر قرار داده بود (بامداد، ۱۳۴۷: ۱۷۷). اما عده‌ای دیگر همچون خانم شچگلوا به این مسئله با دید تردید می‌نگرند. وی با بررسی یک نمونه چاپی از گلستان که میرزا صالح آن را با خود به روسیه برده بود در این باره به ارائه نظر می‌پردازد: «میرزا صالح همراه خسرو میرزا به سفارت سن پترزبورگ آمد و در ۱۸ اوت ۱۸۲۹ کتاب گلستان را به گراف پ. پ. سوختلن^۱ که هیئت سفارت راهمراهی می‌کرد پیشکش کرد. روی کتاب (اکنون در کتابخانه همگانی) یاداشتی به زبان فرانسه است: «گلستان سعدی که در ۱۸۲۸م در تبریز و با شمارگان ۲۰۰ نسخه به کوشش میرزا صالح در چاپخانه خودش... دیپلمات و جهانگرد... چاپ شده است.» همچنین شاید از زبان میرزا صالح یاد شده که این نخستین تجربه این چاپخانه است. حروفچین کتاب چنان‌که از انجام کتاب برمی‌آید علی بن محمدحسین تبریزی یعنی حروفچین جهادیه است. تاریخ چاپ روی کتاب ۱۲۴۳ق/۱۸۲۷م است» (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۴۲).

نام میرزا جعفر را در منابع دیگر نیز می‌توان یافت. به‌عنوان مثال شرق‌شناس روس، برزین^۲ که مدتی در ۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م ساکن تبریز بوده اشاره‌ای به او داشته و وی را بنیان‌گذار چاپ در تبریز خطاب کرده است: «در تبریز چاپخانه‌ای خصوصی است، که در آن قرآن چاپ سنگی شده و نیز چند کتاب چاپ شده است. می‌گویند گویا حروف را از آستاراخان آورده‌اند. نخستین بار چاپخانه را میرزا جعفر در ۱۸۲۲م آورد. از آن زمان زیاد کار نکرده و در زمان بودن من در اینجا هیچ نکرده است» (Berezin: 1, Sukhtelen 2, Edward Brown 3).

(1852: 78).

در همین رابطه عده‌ای بر این نظرند که میرزا جعفر متعلق به شاخص‌ترین گروه دانشجویانی است که توسط عباس میرزا، ابتدا در سال ۱۲۳۰ق به لندن و بعدها در سال ۱۲۴۰ق، به سن پترزبورگ فرستاده شدند تا در زمینه فن چاپ، واردات تجهیزات و بنیان‌گذاری چاپخانه در ایران کسب دانش کنند (مارزلف، ۱۳۸۵: ۲۴).

محمدعلی خان تربیت نیز در نوشتاری که ادوارد براون^۳ هم از آن نقل کرده است متذکر می‌شود که عباس میرزا میرزا جعفر را در سال ۱۲۴۰ق/۱۸۲۴م به مسکو فرستاده و او در بازگشت ماشین چاپی را به همراه خود به ایران وارد می‌کند (Brown, 1914: 7). همین‌طور تربیت در مقاله دیگری درباره فرستاده شدن او به مسکو چیزی نگفته ولی اشاره دارد که میرزا جعفر مشهور به امیر در ۱۲۳۸ق/۱۸۲۲م ماشین چاپی را به تبریز آورده و در سال ۱۲۴۰ق/۲۵-۱۸۲۴م نیز گلستان سعدی را چاپ می‌کند (تربیت، ۱۳۱۳: ۶۶۰).

با تمامی این تفاسیر به نظر می‌رسد میرزا جعفر در تاریخ مذکور کتاب گلستان را تجدید چاپ کرده باشد، زیرا

1. Sukhtelen
2. Berezin
3. Edward Brown

پرداختن بیشتر به کتب چاپ سربی منتشره در تبریز (جدول ۱) به نسبت دیگر کتب چاپ شده در تهران و اصفهان به دلیل آغازگری صنعت چاپ در این شهر و روشن شدن بسیاری از جوانب مجهول و مغفول در آن دوره است. با شناخت نسبت به این دوره مهم از ورود چاپ به ایران می‌توان این مسیر را در شهرهای دیگر نیز دنبال کرد زیرا به سبب پژوهش کمتر در این زمینه و درباره این چند سال آغازین تحقیقات تاریخ چاپ درباره دو شهر دیگر نیز دچار خسران شده است در صورتی که این جریان روندی پیوسته داشته و شیوه کاری آزمون و خطا در تبریز پس از ورود به تهران و اصفهان شکل تقریباً با ثباتی را به خود می‌گیرد.

کتب چاپ سربی تهران

اولین چاپخانه سربی در تهران توسط میرزا زین‌العابدین تبریزی پایه‌گذاری گردید. او در سال ۱۲۳۹ق و یا کمی پیش از آن به فرمان فتحعلی‌شاه قاجار به تهران فراخوانده شد (تربیت، ۱۳۵۵: ۱۶۰) و تحت حمایت یکی از درباریان با نفوذ آن دوران منوچهرخان معتمدالدوله گرجی قرار گرفته (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۲: ۲۱۵) و در تکیه‌وی که از بناهای احداثی و موقوفه او بود ساکن گردید (کریمیان، ۱۳۸۵: ۳۹). بدین صورت با کمک و پشتیبانی او از میرزا زین‌العابدین نخستین چاپخانه سربی در دارالخلافه تهران آغاز به کار کرد. در این باره در انجامه کتابمآثر سلطاننایان گونه اشاره می‌گردد: «سواى این کتاب مستطاب در دارالخلافه طهران میرزا زین‌العابدین تبریزی به یمن اشتقاق والطف سلطان خلدالله ملکه و سلطانه و اهتمام منوچهرخان مجلدات از کتب حدیث باسمه کرده و تجار و اهل معاملات به اطراف و ولایات می‌برند و خرید و فروخت می‌شود.»

گفته شده است در همان ایام کتاب‌های چاپ تبریز در تهران هم عرضه می‌شده و بعضی از تاجرانولایات دیگر نسخه‌هایی از آنها را خریداری می‌نمودند. براین اساس می‌توان حدس زد که شبکه‌ای، ولو ضعیف، برای عرضه و فروش کتاب، ایجاد شده بوده است (Albin, 1986: 3-2).

منوچهرخان، از رجال مطرح دوره قاجار، نامی بزرگ در تاریخ چاپ ایران است و سهم بسزایی را در شکل‌گیری آن برعهده داشته است. او چاپخانه‌های متعدد سربی و بعدها سنگی را از تاریخ ۱۲۴۰ق تا ۱۲۶۲ق تأسیس کرده بود (بابازاده، ۱۳۷۸: ۲۵). تربیت در مقاله خود با اشاره به متن کتاب مدایح معتمد درباره این شخص به جهت خدمات برجسته‌اش در عمل طبع و کسب لقب معتمدالدوله این‌گونه نگاشته است که «از جمله اوصاف منوچهرخان آنکه در نشر احکام سید انام و بسط قواعد اسلام چنان ساعی و شایق بوده که به قدر بیست هزار تومان اخراجات نموده و مقدار هشتصد هزار جلد کتاب در احکام شرعی و فرعیه چاپ فرموده و به دست خاص و عام انداخته است» (تربیت، ۱۳۱۳: ۶۱۱)، هر چند که محقق دیگر مقدار ۸۰۰ هزار

در سال ۱۸۲۲م در مجله آسیایی ۱ خبر چاپ گلستان، همان تاریخ اولیه کتاب یعنی ۱۲۳۶ق/۱۸۲۱م درج شده است: «میرزا جعفر، ایرانی جوان سال گذشته در تبریز گلستان سعدی را با حروفی که خود ساخته بود چاپ و منتشر کرد در اندازه نه چندان بزرگ و بسیار زیبا» (Journal Asiatic, 1822: 185).

ابواب الجنان، تألیف محمدرفع واعظ قزوینی، کتاب دیگری است که به سال ۱۲۴۱ق در تبریز منتشر شده، و شخصی به نام عبدالله بن میرزا خلیل تبریزی نیز چاپگر آن بوده است. این کتاب که در چندین فصل برای وعظ تهیه گردیده، با ذکر احادیثی از بزرگان دین مراتب سعادت و باب‌های بهشت را بر می‌شمرد. نکته قابل ذکر درباره این کتاب آن است که خانم شچگلوا در فهرست کتاب‌های سربی خود (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۲۶۷) به آن اشاره نکرده در صورتی که در کتابخانه ملی نسخه چاپ سربی آن توسط نگارنده رویت شده است (تصویر ۴). همچنین ایشان در همان منبع با استناد به نظر نویسنده‌ای دیگر (Edwards, 1922: 405) از کتابی با نام ابواب جهان نام می‌برد که به نظر باید به جهت مشابهت اسمی همین کتاب مورد بحث باشد. مسئله دیگر اینکه خانم بابازاده، در فهرست‌نویسی کتاب خود، چاپ آن را پس از دیگر کتاب مجموعه تبریز یعنی مآثر سلطانی دانسته است (بابازاده، ۱۳۷۸: ۱۷). اما تاریخ چاپ این کتاب در صفحه آغازین اواخر صفرا المظفر ۱۲۴۱ق ذکر شده در حالی که تاریخ چاپ کتاب مآثر سلطانی در انجامه آن اواخر رجب‌المرجب ۱۲۴۱ق ذکر شده است. بدین‌گونه مشخص می‌شود که کتاب ابواب الجنان پنج ماه قبل از کتاب مآثر سلطانی به طبع رسیده و نمی‌توانسته بعد از آن چاپ شده باشد.

اما کتاب مآثر سلطانی اثر عبدالرزاق نجفقلی مفتون دنبلی، که به سال ۱۲۴۱ق در تبریز چاپ گردید، نام ملامحمدباقر تبریزی را به‌عنوان چاپگر ثبت کرده است. این کتاب، که به شرح سلطنت فتحعلی‌شاه از جلوس تا ۱۲۴۱ق پرداخته، حاوی مفصل‌ترین روایت مستقیم از جنگ‌های ایران و روس است.

تربیت اشاره می‌کند که محمدباقر پس از آن که میرزا زین‌العابدین به‌دستور شاه به تهران می‌رود به جای او برای اداره دارالسلطنه تبریز برگزیده می‌شود (تربیت، ۱۳۱۳: ۶۶۰). اما درباره ماشین چاپی که محمدباقر با آن این کتاب را چاپ کرده و نیز درباره خود او هیچ اطلاعی در دست نیست. تنها در انجامه کتاب مآثر سلطانی این‌گونه ذکر گردیده است: «این نسخه جدید که موسوم به مآثر سلطانی است در دارالانطباق دارالسلطنه تبریز به اهتمام کارگزاران سرکار حضرت ولیعهد به سعی و استادی جناب ملامحمدباقر تبریزی که از معارف این ولایت است به تاریخ اواخر رجب‌المرجب سنه هزار و دویست و چهل و یک هجری شرف اتمام و اختتام پذیرفت.»

جدول ۲. کتب چاپی سربی منتشره در تهران نیمه اول قرن ۱۳ ق، ماخذ: همان (مطابقت با چندین کتاب مرجع)

سال نشر	نام کتاب	نویسنده	چاپگر	منابع
۱۲۳۹	محرَق القلوب	مهدی بن ابی ذر نراقی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، محدث ارموی، مسجد اعظم
۱۲۳۹	رساله حسینیّه	ملا ابراهیم استرآبادی	میرزا زین العابدین تبریزی	مسجد اعظم
۱۲۴۰	حیات القلوب	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، آستان قدس، لنینگراد، بریتانیا
۱۲۴۰	عین الحیات	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، لنینگراد، بریتانیا
۱۲۴۰	جلاء العیون	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، آستان قدس، لنینگراد، بریتانیا
۱۲۴۱	حق الیقین	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، لنینگراد، بریتانیا
۱۲۴۱	حیات القلوب	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، محدث ارموی، آستان قدس، مجلس، دانشگاه تهران
۱۲۴۲	زادالمعاد	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	آستان قدس
۱۲۴۲	قرآن	--	میرزا زین العابدین تبریزی	مجلس
۱۲۴۲	زادالمعاد	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	آستان قدس
۱۲۴۴	زادالمعاد	علامه مجلسی	میرزا زین العابدین تبریزی	ملی، آستان قدس، لنینگراد
۱۲۴۵	اشارات الاصول	محمد ابراهیم کرباسی	زین العابدین، اسفندیارخان	ملی
۱۲۴۸	حلیه المتقین	علامه مجلسی	زین العابدین، اسفندیارخان	ملی

اهل بیت به خصوص نهضت عاشورا و شهادت امام حسین (ع) به شمار می‌رود (تصویر ۵). برای اثبات نخستین بودن این اثر، که تا کنون سه نسخه از آن در کتابخانه ملی تهران، محدث ارموی و کتابخانه مسجد اعظم قم شناسایی شده است، در پایان کتاب در یک صفحه جداگانه پس از ذکر غزلی در مدح و ستایش شاه، اطلاعاتی درباره چاپگر و تاریخ چاپ کتاب آورده شده است: «به سعی و اهتمام جناب میرزا زین العابدین که جامع علم و عمل است و حاوی قول و فعل

جلد را بزرگ‌نمایی دانسته است (شچگلو، ۱۳۸۸: ۱۱۳). پس از آمدن میرزا به تهران کتاب‌های متعددی که توسط او و تحت سرپرستی منوچهرخان منتشر گردید به کتاب‌های معتمدی معروف شدند (تربیت، ۱۳۱۰: ۴۴۹). اولین کتابی که در تهران توسط میرزا زین العابدین به چاپ رسید محرق القلوب نام دارد (نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۳۲) که در تاریخ صفر المظفر ۱۲۳۹ ق منتشر گردید. این کتاب که تألیف مهدی بن ابی ذر نراقی بوده یکی از آثار بارزش در مصایب

داشته که بیشتر آنها توسط عبدالرزاق و تعدادی نیز توسط برادر او آقا محمد خلیل اصفهانی چاپ و حروفچینی شده‌اند. اطلاعات در باب کتب این شهر را باید تنها با مراجعه به انجمن خود آن کتاب‌ها به دست آورد زیرا در منابع دیگر به ندرت به آنها اشاره گردیده و اگر در مواردی از کتابی نام برده می‌شود، تاریخ چاپ آن همچون کتابی که در ادامه بدان اشاره می‌شود به اشتباه ذکر شده است (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۲: ۲۱۷).

رساله حسنیه، با ترجمه ملا ابراهیم بن گرگین استرآبادی، اولین کتاب سربی است که در اصفهان توسط عبدالرزاق اصفهانی در سال ۱۲۴۶ق به طبع رسیده است (نفیسی، ۱۳۲۵: ۲۴؛ تصویر ۶). در مقدمه این کتاب آمده است: «حمدالله که آنهم به حکم محکم سلطانی و سعی و النقات جلالت و نیالت دستگاه مقر الخاقان منوچهرخان زید اجلاله بسعی و دست رنج اقل خلق الله عبدالرزاق اصفهانی کتبی که اکثر مردم از آن منتفع گردند مطبوع آمد از آنجمله این رساله حسنیه که تفسیر بعضی از آیات قرآنی و احادیث نبوی در ترویج مذهب اثنا عشری به بیانی واضح شده در دارالسلطنه اصفهان مطبوع شد، امید که در نظر ارباب دانش مطبوع آید و کافه مردمان از مطالعه آن بهره‌مند گردند. بالنبی و اله الامجاد فی شهر ذیقعد الحرام سنه ۱۲۴۶.»

معدود کتاب‌هایی که در این شهر چاپ گردیدند عموماً در حیطه موضوعات مذهبی بوده‌اند اما نکته جالب توجه اینکه ما شاهد چاپ چند کتاب متفاوت در طول یک سال و در مواردی شاهد تجدید چاپ آن‌ها در طی سال‌های بعد هستیم که با در نظر گرفتن بازه زمانی بسیار کوتاهی که این شیوه چاپی در اصفهان رایج بوده در مقابل میل به تولید و استقبال از این کتاب‌ها در آن شهر کم نبوده است.

و جیزه کتابی است که همانطور که در متن آن آمده است توسط عبدالرزاق اصفهانی در تاریخ محرم الحرام سال ۱۲۴۶ق چاپ آن شروع شده و در ماه ربیع‌الثانی همان سال چاپ آن به پایان رسیده است که این مسئله آشکارکننده زمان‌بر بودن چاپ یک کتاب در آن دوره‌است. نسخه‌ای از این کتاب که در باب نماز و اثر محمد باقر بن محمدتقی شفتی اصفهانی است در کتابخانه ملی موجود است.

در سال ۱۲۴۶ق کتاب دیگری با نام نخبه تألیف محمد ابراهیم بن محمد حسن کرباسی در اصفهان و باز هم توسط عبدالرزاق اصفهانی به شیوه سربی به چاپ رسیده که از این کتاب تا کنون سه نسخه در کتابخانه ملی تهران، کتابخانه آستان قدس و کتابخانه لنینگرادی انستیتو خاورشناسی روسیه مشاهده شده است (غلامی جلیسه، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

کتاب دیگری که دوباره در همین سال در اصفهان چاپ گردید کتاب محرق القلوب نراقی است که محمدخلیل اصفهانی برادر عبدالرزاق اصفهانی چاپ آن را بر عهده داشته است. همین‌طور در ماه صفرالمظفر سال ۱۲۴۷ق

از اعیان دارالسلطنه تبریز است و در محروسه ایران میدعی این فن عزیز در دارالخلافه طهران صانها الله عن الحدثان کتاب محرق القلوب مطبوع آمد امید که در نظر ارباب دانش مطبوع آید فی صفرالمظفر ۱۲۳۹.»

به حق میرزا زین‌العابدین تبریزی یکی از شخصیت‌های برجسته و قابل احترام در چاپ، نشر و فرهنگ این سرزمین است به گونه‌ای که تأثیر پشتکار و مرارت‌های او برای به سرانجام رساندن چاپ و تولید کتاب تا به امروز کاملاً محسوس است. در منابع مختلف اطلاعات پیرامون او بسیار کم بوده و تنها بر اساس اشاراتی که در بعضی از کتاب‌های آن دوره به او شده، می‌توان تاریخ فوت او را تا حدودی تخمین زد. به عنوان مثال در کتاب طوفان البکا (۱۲۶۰ق) از او به عنوان مرحوم یاد می‌شود (مارزلف، ۲۵: ۱۳۸۵). شچگلوا نیز در کتابش تاریخ درگذشت او را پیش از رجب سال ۱۲۶۱ق می‌داند، زیرا در پیشگفتار کتاب روضه المجاهدین، که در آن سال چاپ گردیده، از او چون یک درگذشته یاد می‌شود (شچگلوا، ۴۵: ۱۳۸۸). در این باره در ترقیمة کتاب طوفان البکا آمده است: «یاد دارید از وفا مرحوم زین‌العابدین چونکه او از راه عقل و هوش تمهید و هنر... در یوم چهارشنبه پنجم ماه مبارک رمضان در سال هزار و دویست و شصت امید که در نظر ارباب دانش مطبوع آید فی ۱۲۶۰.»

از سال ۱۲۳۹ق تا پایان نیمه اول قرن سیزدهم هجری در ایران - دوره تاریخی مورد بحث این پژوهش - تمامی کتاب‌هایی که در تهران به چاپ رسیدند همگی توسط میرزا زین‌العابدین و در مواردی توسط وی و با همکاری عده‌ای از شاگردانش انتشار یافتند (جدول ۲). پس از این دوره نیز تعداد چاپخانه‌های تهران به‌مرور رو به فزونی رفته ولی در نهایت تحت نظر معتمدالدوله با یکدیگر ادغام گردیدند و به‌نوعی نخستین چاپخانه دولتی ایران به وجود آمد. این چاپخانه تا سال ۱۲۶۵ق در تهران برقرار و کلیه کتاب‌های چاپ معتمدی در آنجا به چاپ می‌رسید (میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۱۶).

کتب چاپ سربی اصفهان

اصفهان پس از تبریز و تهران سومین شهری است که صنعت چاپ سربی در آنجا آغاز به کار کرد. با آمدن میرزا زین‌العابدین به تهران فعالیت در حوزه کتب چاپ سربی روند سریع و رو به تکاملی را طی کرد. این فعالیت با پرورش شاگردان بسیاری گسترش یافت، و اشخاصی چون رستم علی، بهرام‌بیک، آقا عبدالکریم این حرفه را نزد زین‌العابدین فرا گرفتند. از جمله شاگردان بالاراده او می‌توان از عبدالرزاق اصفهانی یاد کرد که با حمایت معتمدالدوله توانست در اصفهان چاپخانه سربی راه‌اندازی کند (غلامی جلیسه، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

چاپ کتاب در اصفهان عمری کوتاه و تعدادی اندک

جدول ۳. کتب چاپی سربی منتشره در اصفهان نیمه اول قرن ۱۳ ق، ماخذ: همان (مطابقت با چندین کتاب مرجع)

سال نشر	نام کتاب	نویسنده	چاپگر	منابع
۱۲۴۶	رساله حسینیّه	ملا ابراهیم استرآبادی	عبدالرزاق اصفهانی	ملی، محدث ارموی، لنینگراد
۱۲۴۶	وحیزه	محمد باقر شفتی	عبدالرزاق اصفهانی	ملی
۱۲۴۶	نخبه	محمد ابراهیم کرباسی	عبدالرزاق اصفهانی	ملی، آستان قدس، لنینگراد
۱۲۴۶	محرّق القلوب	مهدی بن ابی ذر نراقی	محمد خلیل اصفهانی	لنینگراد
۱۲۴۷	سؤال و جواب	محمد باقر شفتی	عبدالرزاق اصفهانی	ملی، لنینگراد، بریتانیا
۱۲۴۷	محرّق القلوب	مهدی بن ابی ذر نراقی	عبدالرزاق اصفهانی	محدث ارموی، لنینگراد
۱۲۴۸	محرّق القلوب	مهدی بن ابی ذر نراقی	محمد خلیل و عبدالرزاق	محدث ارموی، لنینگراد
۱۲۴۸	سؤال و جواب	محمد باقر شفتی	عبدالرزاق اصفهانی	ملی

در این زمان دوام زیادی نیافت و عوامل متعددی دست به دست هم داد تا این شیوه جدید از تولید کتاب جای خود را به چاپ سنگی بدهد که در ادامه سعی خواهد شد به این عوامل به اجمال اشاراتی صورت گیرد.

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلایل از رونق افتادن چاپ سربی بازخوردهای اجتماعی و فرهنگی آن در بین مردم بوده است. ایرانیان که سال‌ها سال با انواع شیوه‌های خوشنویسی در نسخه‌های خطی مأنوس بودند، چندان علاقه‌ای به خطوط منظم نسخ سربی که به لحاظ بصری هیچ سنخیتی با خوشنویسی کتب خطی نداشت، از خود نشان ندادند. در همین باره ادوارد پولاک^۱ طیب معروف دوره قاجار در سفرنامه خود می‌نویسد: «حروف مطبوعه به مذاق ایرانی‌ها خوش نمی‌آید زیرا این حروف در خط مستقیم قرار نمی‌گیرند و گاه بالا و گاه پایین خط مستقیم واقع می‌شوند. به همین دلیل هم هست که یک انجیل فارسی که به صورت عالی در اروپا به طبع رسیده است نظرشان را نمی‌گیرد و آن را نازیبا می‌شمارند و به همین جهت کتب اندکی به این صورت طبع شده لیتوگرافی یا چاپ سنگی در عوض نضج بیشتری گرفت... ایرانیان متشخص کتب چاپی را دوست نمی‌دارند و در تلاش تملک نسخ خطی هستند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۹۳). چنین نظری را محققان دیگری نیز گزارش داده‌اند و بیان داشتند از آنجا که امکان تولید این

چاپ کتاب دیگری با نام سؤال و جواب که در حقیقت رساله علمیه محمد باقر شفتی اصفهانی است آغاز، و در ماه شعبان همان سال به اتمام رسیده است. در این سال کتاب دیگری نیز با عنوان محرّق القلوب نراقی به چاپ رسیده که نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه ملی رویت گردیده است.

به نظر می‌رسد روند چاپ کتاب به شیوه سربی تا ابتدای سال ۱۲۴۸ ق در شهر اصفهان ادامه داشته است و در ابتدای این سال یعنی صفرالمظفر شاهد انتشار دوباره کتاب سؤال و جواب هستیم که عبدالرزاق اصفهانی چاپ آن را بر عهده داشته است. مسئله قابل ذکر درباره این کتاب این است که به لحاظ نوع حروف با آنکه از همان حروف به کاررفته توسط میرزا زین‌العابدین در تهران بهره برده اما شیوه حروف چینی آن با کتاب‌های دیگر عبدالرزاق اصفهانی تفاوتی چشمگیر دارد و در مقدمه آن نیز ذکر گردیده که چاپ این کتاب توسط او و تحت آموزگاری میرزا زین‌العابدین انجام پذیرفته است (جدول ۳).

سرانجام چاپ سربی در دوره قاجار

چاپخانه‌های دولتی در دوره قاجار محدود به سه مطبوعه دارالسلطنه تبریز، دارالخلافه تهران و دارالسلطنه اصفهان بوده‌اند که چاپگرها و یا باسمه‌چی‌ها عناصر اصلی و گرداننده آنها به شمار می‌رفتند. با این حال، چاپ سربی



تصویر ۶. صفحه آغازین کتاب رساله حسینییه ۱۲۳۹ ق. ماخذ: همان.

آن را برای کشور می‌دانستند، ولی چنان کسانی که توانایی پشتیبانی لازم را داشته باشند انگشت‌شمار بودند. با مرگ عباس‌میرزا در ۱۸۳۳ م و منوچهرخان در ۱۲۶۳ ق/ ۱۸۴۶ م چاپ‌گران بی‌پشتیبان شدند و چاپخانه‌ها که کم‌کار شده بودند کاملاً بی‌کار شدند. زین‌العابدین پیش از این درگذشته بود. محمد علی امین‌الشرع به چاپ سنگی کتاب رو کرد. درباره چاپ‌گران دیگر آگاهی نداریم» (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۴۶). چاپ در ایران از عصر ناصری دستخوش تحولاتی تازه شد. انتشار روزنامه، رواج نسبی روزنامه‌نگاری، تهدیدی که حکومت خودکامه از جانب مطبوعات و اشاعه اندیشه‌ها احساس کرد و به ایجاد تدابیری برای نظارت و تسلط بر مطبوعات دست زد سرنوشت چاپ را عملاً به مطبوعات گره زد، چندان‌که تاریخ چاپ از آن پس از تاریخ مطبوعات تفکیک‌پذیر نیست و حکومت‌ها در واقع از راه نظارت مستقیم بر چاپخانه‌ها، مطبوعات را عملاً زیر نظر قرار داده‌اند و هر تصمیمی که درباره مطبوعات گرفته‌اند نتیجه آن بی‌درنگ در چاپخانه‌ها محسوس شده است.

حروف بسیار مشکل بوده کتب چاپ شده نیز چندان مطابق سلاقی عامه نبوده است (Binning, 1857:312).

مشکلات و محدودیت‌های فنی نیز باعث عدم استفاده از تزئینات و تصاویر در کتاب‌های چاپ سربی می‌شد و این عوامل سبب گشت تا توجه بیشتری نسبت به چاپ سنگی صورت پذیرد که ویژگی‌های هنری متنوعی، همچون تذهیب، تشعیر، طرح‌ها و نقش‌های هنری، کتیبه‌سازی، سرلوح‌سازی، حاشیه‌سازی و مجلس‌سازی را در هنر کتاب‌سازی ایران حفظ کرده و حتی دوباره مروج آن بوده است (هاشمی دهکردی، ۱۳۶۳: ۹۱).

از عوامل دیگر رویگردانی از چاپ سربی می‌توان به سختی و پیچیدگی کار در پرورسه این نوع از چاپ اشاره کرد. همان‌طور که ذکر گردید برای چاپ یک کتاب می‌بایست چندین ماه زمان صرف می‌شد با تمام تلاشی که صورت می‌پذیرفت، کتاب چاپ‌شده خالی از اشکالات چاپی و غلط‌های املائی و حروف‌چینی نمی‌بود. در صورتی که مراحل چاپ سنگی بسیار ساده و راحت‌تر از چاپ سربی بود. در چاپ حرفی بعد از نگارش کتاب توسط کاتب و تصحیح آن توسط مصححان نوبت به حروف‌چین می‌رسید که باید بعد از انجام مراحل فنی انتخاب ابعاد کتاب و کاغذ متناسب با آن نسبت به چینش حروف، کلمات، جملات و صفحات اقدام کند، که این کار با توجه به انفعال و اتصال حروف فارسی زمان زیادی را در پی داشت. در صورتی‌که در چاپ سنگی پس از اینکه کاتب کتاب را می‌نوشت نسبت به چاپ آن سریعاً اقدام صورت می‌گرفت.

یکی دیگر از عوامل رکود چاپ سربی را باید در هزینه‌ها جستجو کرد. از آنجا که این صنعت در کشورهای غربی پا گرفته بود. دوری مسافت و هزینه بالای واردات این تجهیزات از آن کشورها، خرابی عدم امکان تعمیر آنها نیز مزید بر علت بود تا هرچه بیشتر، چاپ سربی را به محاق فراموشی بکشاند. به این نکته نیز باید توجه داشت که بسیاری از این ماشین‌آلات به خاطر بعد مسافت یا آسیب‌دیده به کشور وارد می‌شده و یا پس از ورود به دلیل هزینه نگهداری بالا و عدم رسیدگی از کار افتاده و یا غارت می‌شدند (محیط طباطبایی، ۱۳۵۵: ۲۱۰). در نهایت باید نظر خانم شچگلوا را به‌عنوان آخرین دلیل از رونق افتادن چاپ سربی در آن دوره دانست: «چاپ حرفی در تبریز و تهران با پشتیبانی چهره‌های بانفوذ وجود می‌داشت که ارزش کتاب و چاپ

نتیجه

ایرانیان از نظر تاریخی بسیار دیرتر از دیگر ملل دنیا صاحب صنعت چاپ شدند و حتی سال‌ها از داشتن چاپخانه محروم بودند و اگر بخواهیم کشورهای لاتین زبان را نیز نادیده بگیریم حتی نسبت به کشورهای که به لحاظ مذهبی و شیوه نگارشی دارای اشتراکاتی با ایران بوده‌اند نیز با تأخیر به صنعت چاپ دست یافته و از خیلی از مزایای آن بی‌بهره ماندند. تاریخ چاپ کتاب به شیوه سربی در ایران از سال ۱۲۳۳ ق آغاز

می‌گردد و چنان‌که آمد ایجاد چاپخانه و چاپ سربی در زمان قاجار معلول اتفاقاتی بود که سبب تولید و ظهور کتاب‌هایی گشت که بسیار متفاوت و مغایر با باورهای ایرانیان نسبت به کتبی بود که سال‌های دراز در کتاب‌آرایی سنتی با آن مواجه بودند. از این جهت پایه‌گذاری چاپ سربی در ایران در زمان ولی عهدی عباس میرزا شروع جدیدی در دوره تحول این سرزمین بوده است. زیرا اگر همت و درایت این شاهزاده قاجار نبود، چه بسا بسیار دیرتر از آنچه که می‌بایست، صنعت چاپ در ایران آغاز به کار می‌کرد. شکست ایران در جنگ با روسیه و آثار آن بر جامعه زمینه‌ای شد تا عباس میرزا دست به تحولات اساسی بزند که ورود چاپ سربی به ایران زاینده این شکست تلخ تاریخ‌یاست. چاپ کتب سربی در ایران کاملاً به چاپگرانی که در سه شهر تبریز، تهران و اصفهان می‌زیسته‌اند وابسته بوده است، به نوعی که از این سه شهر به‌عنوان سه دوره اولیه و کلیدی چاپ کتاب در ایران نام برده می‌شود. بررسی نخستین کتاب‌های چاپی نشان می‌دهد که دولت وقت از این فناوری گاهی در جهت مقاصد خود استفاده می‌کرده و گاهی از آن برای ترویج فرهنگ خاصی که مورد نظرشان بوده سود می‌جسته است. با این حال، تلاش و مرارت‌هایی که در این شهرها توسط چاپگران و بنیان اولیه چاپ صورت گرفت تا بتوانند شیوه تولید کتاب در کشور را دگرگون ساخته و آن را در اختیار همگان قرار دهند و مسبب بسیاری از جریان‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی در جامعه ایرانی تا به امروز گردند تلاشی است قابل ستایش و ارزشمند و هر کتاب و حروف سربی تشکیل‌دهنده آن مؤید سخت‌کوشی تولیدکنندگان آن و رشد فرهنگ و جریان انتشار کتاب در ایران است.

منابع و مأخذ

- احمدی نیا، محمدجواد. ۱۳۹۱. «شیوه‌های شماره‌گذاری صفحات در کتب چاپ سربی دوره قاجار». کتاب ماه هنر، ش ۱۷۲.
- آذرنگ، عبدالحسین. ۱۳۷۵. *آشنایی با چاپ و نشر*. تهران: سمت.
- آرین‌پور، یحیی. ۱۳۵۴. *از صبا تا نیما*، ج ۱. تهران.
- استیپوویچ، الکساندر. ۱۹۹۳. *تاریخ کتاب*. ترجمه محمدارناو و ط. کویت: مجلس الوطنی للثقاقه و الفنون و الاداب. بابازاده، شهلا. ۱۳۷۸. *تاریخ چاپ در ایران*. تهران: طهوری.
- بورستین، دانیل جی. ۱۳۶۵. «فن چاپ پیش از گوتنبرگ». ترجمه حسین معصومی همدانی، نشر دانش، س ۷، ش ۲. پطروشفسکی. ۱۳۷۹. *تاریخ ایران کمبریج*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۸. *سفرنامه پولاک*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- تربیت، میرزا محمدعلی خان. ۱۳۱۰. «مبدأ تاریخ ایران‌شناسی در اروپا». ارمغان، س ۱۲، ش ۷.
- تربیت، میرزا محمدعلی خان. ۱۳۱۳. «تاریخ مطبوعه و مطبوعات ایران». تعلیم و تربیت، س ۴، ش ۱۱.
- تربیت، میرزا محمدعلی خان. ۱۳۵۵. مقاله‌های فارسی محمدعلی تربیت ادیب آذربایجانی. تهران: دنیای کتاب.
- تقی زاده، حسن. ۱۲۹۰. «چاپخانه و روزنامه در ایران». کاوه، س ۲، ش ۵.
- دوشوز، لسون. ۱۳۲۴. *معرفة البدایع فی الفنون و الصنایع*. ترجمه عیسی طبیب. تهران: مطبوعه شاهنشاهی.
- سامرایی، قاسم. ۱۹۹۶. *الطباعة العربیة فی أوروبا*، در نده تاریخ الطباعة العربیة حتی انتهاء القرن التاسع عشر. ابوظبی: منشورات المجمع الثقافی.
- سامی، علی. ۱۳۴۷. «دانش‌های ایران در عهدباستان». دوره ۶، ش ۷۲: ۶۴-۵۸.
- شچگلو، الیمپیادا پاولونا. ۱۳۸۸. *تاریخ چاپ سنگی در ایران*. ترجمه پروین منزوی. تهران: معین.
- شیرازی، میرزا صالح. ۱۳۸۷. *سفرنامه‌ها: میرزا صالح شیرازی*. به کوشش غلامحسین میرزا صالح. تهران: نگاه معاصر.
- صلح‌جو، جهانگیر. ۱۳۴۸. *تاریخ مطبوعات ایران و جهان*، ج ۱. تهران: امیرکبیر.



- غلامی جلیسه، مجید. ۱۳۹۰. تاریخ چاپ سنگی اصفهان، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. قدوره، وحید. ۱۹۹۶. ندوه تاریخ الطباعة العربیة حتى انتهاء القرن التاسع عشر. اوائل المطبوعات العربیة فی ترکیا و بلاد الشام). ابو ظبی: منشورات المجمع الثقافی.
- کرایگ، جیمز برتون، بروس. ۱۳۹۰. سی قرن طراحی گرافیک. ترجمه محسن قادری. تهران: سازمان چاپ و انتشارات
- کریمیان، علی. ۱۳۸۵. «تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران»، کتاب ماه کلیات، ش ۱۰۳.
- گرین، نیل. ۱۳۹۰. «انقلاب داستان‌هویی و چاپ فارسی»، ترجمه پریسادرخشان مقدم، ایران نامه، س ۲۶، ش ۳-۴.
- مارزلف، اولریش. ۱۳۸۵. «نویایی چاپ در ایران، تعریف و تخمین»، کتاب ماه کلیات، ش ۱۰۳.
- محبوبی اردکانی، حسین. ۱۳۵۲. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- محیط طباطبایی، محمد. ۱۳۱۴. «تأسیس دبستان‌های ملی»، تعلیم و تربیت، س ۵، ش ۵ و ۶.
- محیط طباطبایی، محمد. ۱۳۵۵. «چاپ سربی و سنگی»، راهنمای کتاب، ش ۱-۲.
- مسعودی، اکرم. ۱۳۷۹. «تاریخچه چاپ سنگی در ایران»، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ش ۲۵.
- مشکنبریانس، ژیلبرت. ۱۳۸۵. «ارمنیان و صنعت چاپ ایران»، فصلنامه فرهنگی پیمان، ش ۳۷.
- مهدیزاده، محمدرضا. ۱۳۹۲. «سرگذشت صنعت چاپ در ایران»، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۳۰۷.
- میرزای گلپایگانی، حسین. ۱۳۷۸. تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران. تهران: گلشن.
- میناسیان، لئون. ۱۳۵۰. «گفتنی‌هایی درباره ایرانیان ارمنی»، هنر و مردم، دوره ۹، ش ۱۰.
- میناسیان، لئون. ۱۳۵۴. اولین چاپخانه در ایران. به کوشش مرتضی تیموری، ج ۱. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مینوی، مجتبی. ۱۳۳۲. «اولین کاروان معرفت»، یغما، س ۶، ش ۸.
- نفیسی، سعید. ۱۳۲۵. «صنعت چاپ مصور در ایران»، پیام نو، دوره ۲، ش ۵.
- نفیسی، سعید. ۱۳۳۷. «نخستین چاپ‌های مصور در ایران»، راهنمای کتاب، ش ۱ و ۳.
- هاشمی دهکردی، حسن. ۱۳۶۳. «چاپ سنگی: حیات تازه‌ای در کتابت»، فصلنامه هنر، ش ۷.
- وایت، الکس. ۱۳۸۹. تأملی در طراحی حروف. ترجمه محمدرضا عبدالعلی و عاطفه منقی. تهران: فرهنگسرای میرلشتی.
- وصاف الحضرة، فضل الله بن عبد الله. ۱۳۳۸. تاریخ وصاف الحضرة. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریز.
- یغمایی، اقبال. ۱۳۶۴. مدرسه دارالفنون. تهران: سروا

A Chronicle of the Carmelites in Persia. 1939. vol.1, London.

Albin, Michel. 1986. *The Iranian Publishing History*, vol, Libri.

Berezin, Ilya nikolaevich. 1852. *Putesshestive po severnoi Persii* (Travel in Northern Persia). Kazan.

Brown E.G. 1914. *The Press and Poetry modern Persia.* Cambridge.

Binning, Robert B.M. 1857. *A Journey of Two Years Travel in Persia.*

Edwards, E.M. 1922. *A Catalogue of the Persian Printed Books in the British Museum,* London.

Jahn, K. 1970. *Paper Currency in Iran. Journal of Asian History.* Munich.

Journal Asiatique. 1822. JA. 1.c 185, Paris.

The Formation Process of the Letterpress Printed booksin QajarEra

Mohammad Javad Ahmadinia, M.A. in Art Research, Faculty of Art, Shahed University, Tehran, Iran.

Ali Asghar Shirazi, PH.D. Assistant Professor, Faculty of Art, Shahed University, Tehran, Iran.

Recieved: 2014/10/2

Accepted: 2014/3/17



The spread of the printing industry is one of the important cultural changes in the Qajar era. In this era for the first time knowledge was not exclusive to the libraries and the education system undergone a modern change through printing books. The study of the changes in this course may open a new window to the cultural historical course of this country. The goal of this study is to depict the formation phases of printing industry and the introduction of the letterpress printing in Iran, in order to show more clearly the efforts of the founders and first publishers of these books in organizing this printing technique and inspiring enthusiasm in readers to study them, also to identify the individuals from the society and even from the Qajar state who played notable parts in carrying out these goals.

This research is based on library sources and field research, and uses descriptive- analytical method. Therefore a number of books from that era were closely observed and photographed. With regard to the vast quantity of data, after gathering data, the notes were categorized, described, examined and analyzed. This research tries to identify the factors of formation of the printing industry in Qajar era and study the role of individuals, social events and centers in this case. The establishment of the letterpress publishing house in the Qajar era was caused by the same changes which lead to the publishing of books contrary to the Iranians beliefs in the books they were accustomed to for years. This research reveals that the publishers, with regard to the traditional art of book, printed books by using type pieces, and their gradual yet planned act, reinforced the foundations of science, religion and culture. This course is traceable in the books published in Tabriz, Tehran and Isfahan cities.

Keywords: Letterpress Printed Book, Qajar Era, Mashrooteh Revolution, Printing House.